

بررسی شیوه های تربیت متعالی با تکیه بر آموزه های اسلام

مریم عباسی منتظری^۱

چکیده

تربیت متعالی، تربیتی است که مبتنی بر فطرت الهی، بستر رشدی و کمالی متری را فراهم می‌سازد و رسیدن به مراتب خلافت الهی خداوند را برای انسان آسان می‌کند. تربیت متعالی در آیات و روایات، با واژه‌های تربیتی تزکیه و تعلیم، هدایت، رشد، ادب و تربیت، توصیف و تبیین شده است. با توجه به این مفاهیم، تربیت آن هنگام متعالی است که خاستگاه فطرت داشته باشد. توجه قرآن کریم به مبحث تربیت نشان دهنده اهمیت این اصل و نقشی که میتواند در سعادت انسان داشته باشد. لذا کمتر اشخاصی هستند که نسبت به آثار تربیت دینی بر افکار و رشد فکری کودکان آگاهی لازم را داشته باشند، اکثریت نسبت به این موضوع جاهل می‌باشند و اطلاع کافی ندارند. این مطلب اهمیت خود را در دین اسلام دارد. پرداختن محقق به این موضوع می‌تواند جاهلیت افراد را رفع کند و آن‌ها را نسبت به شیوه های تربیتی آگاه سازد. پژوهش حاضر، به روش توصیفی، تحلیلی و با استناد از منابع کتابخانه ای تالیف شده است.

کلیدواژه: شیوه، تربیت، تربیت متعالی، آموزه های اسلام.

^۱ طلبه سطح دو، حوزه علمیه فاطمیه شهرستان کارون

مقدمه

تربیت مفهومی پردامنه است که تمامی شئون و ساحت های حیات انسانی را در برمی گیرد؛ فرآیند تربیت در اقتصاد، مدیریت، سیاست، جنگ، صلح، هنر، ادبیات، فناوری، دانش های انسانی، روابط اجتماعی، رشد و تعالی درونی ترین ویژگی ها، خصلت های روحی و روانی انسان ها اتفاق می افتد. انسان تربیت یافته در وهله اول خودش احساس آرامش، رشد و تعالی، احساس ارزشمند و مفید بودن، عزت و اعتماد به نفس می کند. تربیت فرزند سبب آرامش محیط خانواده می شود و خانواده احساس طیب خاطر، رضایت مندی و آرامش می کند. در تربیت باید هماهنگی بین والدین وجود داشته باشد تا اهداف تربیتی محقق شود. روح حاکم بر تربیت باید عقل سلیم با پشتوانه شرع و سیره بزرگان باشد، نه از روی هوس. افراد تربیت یافته با اخلاق، رفتار و گفتار شایسته سبب ایجاد جامعه سالم و مطلوب خواهند شد. تربیت خوب فرزندان، سبب اصلاح رفتار و ایجاد یک نوع پیوند عمیق بین انسان و خدا می شود. در پیشینه این پژوهش، مقالاتی در این زمینه و در ارتباط با موضوع پژوهش به صورت پراکنده نوشته شده است و هرکدام از این پژوهش ها به یک بحث در ارتباط با این موضوع پرداخته اند از جمله مقاله: جستاری بر مبانی، اصول و روش های پرورش حب ذات متعالی از دیدگاه اسلام، مولف: محمد شریف طاهرپور و دیگران، ۱۴۰۰، در این مقاله، به بررسی اصول و روش های پرورش حب ذات متعالی از دیدگاه اسلام پرداخته شده است. در مقاله: شاخص های تربیت متعالی برگرفته از آیات و روایات اسلامی، مولف: علی نقی فقیهی، ۱۴۰۱، در این مقاله، به بررسی مفاهیم و ادبیات به کار رفته در آموزه های تربیتی قرآن کریم و روایات اهل بیت (علیه السلام) در حوزه تربیت و هدایت، و تعبیر مرتبط پرداخته و ویژگی های تربیت متعالی را تبیین کرده است. در مقاله: تاثیر آموزه های دینی بر تربیت انسان متعالی، مولف: مرضیه خضری نژاد، ۱۴۰۰، در این مقاله، تاثیر آموزه های دینی بر تربیت انسان متعالی است. هدف از پژوهش حاضر، بررسی شیوه های تربیت متعالی با تکیه بر آموزه های اسلام است. در این مقاله حاضر سعی بر آن شده است تا ضمن پرداختن به مفاهیم کلیدی پژوهش، و به بررسی شیوه های تربیت متعالی با تکیه بر آموزه های اسلام بپردازیم. بر این اساس ما در این پژوهش درصدد پاسخ به سؤالی هستیم که بیانگر و روشن کننده این تحقیق باشد از جمله:

۱- بررسی شیوه های تربیت متعالی با تکیه بر آموزه های اسلام چیست؟

۱- مفهوم شناسی

پیش از پرداختن به بحث‌های اصلی لازم است کلمات کلیدی و تأثیرگذار را که در این پژوهش مطرح است مورد بررسی لغوی و اصطلاحی قرار داده شود تا با روشن شدن مفاهیم آن‌ها، تبیین هرچه بیشتر بحث ممکن شود.

۱-۱- تربیت

واژه «تربیت» از ریشه «ربو» و از باب تفعیل است؛ چرا که کلمه ناقص، هنگامی که به باب تفعیل برده می‌شود، مصدر آن‌ها بر وزن تفعله می‌شود. مانند: تربیه، تزکیه، تحلیه و...^۱

این‌گونه که از سخن اهل لغت برمی‌آید، در این ریشه به نوعی می‌توان معنای زیادت و رشد را یافت و در موارد مختلف استعمال خود نیز این معنا را دارد.

عرب‌زبانان به تپه «رَبَوَه» می‌گویند، چرا که نسبت به سطح زمین برآمده‌تر است،^۲ نفس زدن را «ربو» می‌گویند چرا که به هنگام نفس کشیدن سینه برآمده می‌شود^۳ و نیز «ربا» را بدین نام نهاده‌اند از آن روی که بر مال، افزوده می‌شود.^۴

خلیل بن احمد فراهیدی، از لغت‌شناسان قرن دوم، در مورد معنای لغوی این واژه قائل است که ریشه آن به معنای زیادت هست، به عنوان نمونه وقتی می‌گوییم: رَبَّ الْجَرَحِ وَ الْأَرْضِ وَ الْمَالِ وَ كُلِّ شَيْءٍ يَرْبُو رَبَّوْاً هنگامی است که بدان افزوده شود و بیش از این مطلبی را بیان نمی‌دارد.^۵

راغب اصفهانی، در کتاب مفردات ألفاظ القرآن در معنای این لغت همان سخن العین را آورده است و در کنار آن به بیان قولی نیز قایل شده است که اصل این کلمه از (رب) می‌داند که یک حرف آن برای تخفیف در لفظ به حرف (ی) تبدیل شده است.^۶

او در بیان معنای «رب» این‌گونه آورده است: «الرَّبُّ فِي الْأَصْلِ: التَّربِيَةُ، وَ هُوَ إِنْشَاءُ الشَّيْءِ حَالاً فَحَالاً إِلَى حَدِّ التَّمَامِ».^۷

^۱ طباطبایی، محمدرضا، صرف ساده، ص ۱۷۱، ۱۳۷۹.

^۲ ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، ج ۲، ص ۴۸۳، بی تا.

^۳ همان.

^۴ همان.

^۵ فراهیدی، خلیل، العین، ج ۸، ص ۲۸۴، بی تا.

^۶ راغب اصفهانی، حسین، مفردات الفاظ القرآن، ص ۳۴۰، بی تا.

^۷ همان، ص ۳۳۶.

نکته مهم در معنایی که راغب اصفهانی در کتاب خویش آورده است، تدریجی بودن تربیت است که امری است قابل توجه و بسیار مهم. اندیشمندان اسلامی، قائل هستند اصل تکلیف و نیز عقل و اراده آدمی نشان از آن دارد که انسان تربیت پذیر است و جبر تاریخ و اجتماع نمی تواند اصل تربیت پذیری او را از بین ببرد.

هدف از تربیت در نگاه دین عبارت است از: رشد [الهی]، طهارت، حیات طیبه، عبادت، تقوی، قرب، رضوان، تزکیه و تهذیب، اصلاح رابطه انسان با خودش، طبیعت، جامعه، تاریخ و...

صاحب کتاب معجم مقاییس اللغة - ابن فارس - در کتاب لغت خویش نیز قائل است که تربیت از ریشه (ر ب ی) بوده و دارای یک اصل واحد معنایی است و می توان معنای زیاده، نما و علو را از آن به دست آورد.^۱ به همین دلیل او قائل است عرب زبانان به مکان مرتفع «ربوه» و «الربوه» می گویند.^۲ ابن منظور نیز این واژگان را به معنای زیاده و رشد دانسته است.^۳

اما جامع سخن را می توان در کلام علامه مصطفوی دید؛ ایشان پس از بیان گفتارهای مصباح اللغة، معجم مقاییس اللغة و لسان العرب، اصل واحد یا همان گوهر معنایی در این ماده را تورم همراه با زیاد شدن دانسته است، بدین معنا که شی در خودش متورم شده و بدان وسیله برای او فضل و زیاده حاصل شده است.^۴

او قائل است که دیگر معانی لغوی که لغت دانان برای این ریشه بیان داشته اند، اصل آن نبوده بلکه شباهتی به این ریشه دارد و از آثار و لوازم آن می باشد همچون معنای: زیادت، فضل، نمو، الطول، العظم، الزکاء و...

در این جاست که فرق ریشه «ربو» با «ربب» و «ربا» مشخص می شود و آن این است که «ربا» به معنای علا و طال است و «ربب» به معنای سوق دادن و جهت دادن او به سوی کمال است.^۵

حاصل سخن آن است که آنچه در معنای این ریشه بتوان به عنوان معنای لغوی آن بیان نمود، همان افزودن و رشد و یا تورم دورنی است.

^۱ ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، ج ۲، ص ۴۸۳، بی تا.

^۲ همان.

^۳ ابن منظور، محمد، پیشین، ج ۱۴، ص ۳۰۵.

^۴ مصطفوی، حسین، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۴، ص ۳۵، بی تا.

^۵ همان.

جدای از ریشه‌یابی واژه تربیت، لازم است مطلبی کوتاه در مورد واژگان «تربیت» نیز گفته شود. تربیت از باب تفعیل بوده است و تفعیل در علم صرف دارای معانی: تعدیه، تکثیر، سلب، تدریج، ضد معنای باب افعال و نیز معنای ثلاثی مجرد گفته شده است.^۱

به نظر می‌آید در مورد تربیت و معنای این باب که وقتی به این واژه، هنگامی که در باب تفعیل به کار برده می‌شود همان معنای تعدیه و یا به احتمال بیشتر، در معنای تکثیر باشد.

دلیل بر معنای تعدیه آن است که اولاً معنای غالبی این باب است و نیز «ربو» خود معنای لازمی را در خود جای داده است و از آن رو که تربیت یک امری است که مقابلی به عنوان متربی دارد و در مورد غیر صورت می‌گیرد، این معنا از تمامی معناهای مقابل متناسب‌تر است.

۱-۲- تربیت در اصطلاح

در تعریف تربیت، لازم است که دسته‌بندی‌ای صورت گیرد و آن این است که در تعریف تربیت، باید بین نگاه اندیشمندان مسلمان و غیر مسلمان، تفکیک قایل شویم. بدان دلیل است که نگاه دینی به تربیت باعث شده مبانی، روش‌ها، غایات و اهداف تربیت در نزد معتقدین به دین با دیگر گروه‌ها تفاوت‌هایی قابل توجه بوجود بیاورد که ممکن است در نگاه اول مورد توجه قرار نگیرد ولی وقتی با دقت بیشتر بدان نگریسته شود این تفاوت بسیار چشم‌گیر و مورد توجه است.

یکی از مهم‌ترین تفاوت‌های قابل ذکر در این مورد این است که در روش‌های تربیتی در اندیشه غیردینی، غالباً از روش‌های بیرونی استفاده می‌کنند. منظور از روش‌های بیرونی، روش‌هایی است که از بیرون بر تربیت شونده تاثیر می‌گذارند و در این بین به فطرت که ودیعه‌ایست در اندرون انسان توجهی ندارند. به عنوان نمونه باندورا معتقد است که یادگیری بر اساس تاثیرات فیزیولوژیک و تجربه است و نقش عامل فطری را در تعلیم و تربیت قبول ندارد.^۲

اندیشمندان اسلامی، قائل هستند اصل تکلیف و نیز عقل و اراده آدمی نشان از آن دارد که انسان تربیت پذیر است^۳ و جبر تاریخ و اجتماع نمی‌تواند اصل تربیت‌پذیری او را از بین ببرد. هدف از تربیت در نگاه دین عبارت است از: رشد الهی، طهارت، حیات طیبه، عبادت، تقوی، قرب، رضوان، تزکیه و تهذیب،^۴ اصلاح رابطه انسان با خودش

^۱ طباطبایی، محمدرضا، تربیت، ص ۷۲.

^۲ باندورا، آلبرت، نظریه‌های یادگیری، ص ۱۲.

^۳ شریعت مداری، علی، تعلیم و تربیت اسلامی، ص ۹، ۱۳۷۳.

^۴ باقری، خسرو، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، ص ۵۳، ۱۳۸۵.

این اتحاد و همدلی است که انسان ها، یک فرهنگ و آیین واحد را پذیرا بوده و یک هدف و برنامه برای زندگی خواهند داشت. اگر انسان ها در جامعه واحد جهانی گرد هم نیایند و بر تنازع ها و تعارض های فرهنگی و سیاسی و... پافشاری کنند، هیچ برنامه تربیتی و فرهنگی مؤثر نخواهد بود و مشکلات انسان ها همچنان باقی خواهد ماند. پس لازمه رشد فکری و اخلاقی مردم، شکل گیری امت واحده و فرو کاستن از جدایی ها، ستیزش ها، افکار متفاوت و ارزش های چند پاره است؛ امری که در عصر ظهور مورد توجه بوده و همه اختلافات، کینه ها و مذاهب و... برطرف می گردد: «يَقُومُ قَائِمُنَا ثُمَّ يَجْمَعُهُمْ عَلَى أَمْرٍ وَاحِدَةٍ»^۱؛ «آن گاه که قائم ما قیام کند... همه را بر یک فکر و مرام و احد گرد می آورد».

«لَيَرْفَعَنَّ عَنِ الْمَلَلِ وَالْأَدْيَانِ الْإِخْتِلَافَ»^۲؛ «اختلافات و پراکندگی را از ملت ها و ادیان بر می دارد». آن حضرت الفت و دوستی در دل مردم ایجاد می کند و بغض و خصومت را برطرف می سازد: «يُؤَلِّفُ بَيْنَ قُلُوبٍ مُخْتَلِفَةٍ»^۳؛ «بین قلب های گوناگون الفت ایجاد می کند». «لَذَهَبَتِ الشَّحْنَاءُ مِنْ قُلُوبِ الْعِبَادِ»^۴؛ «کینه ها از قلب های بندگان می رود». «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ جَاءَتِ الْمُزَامِلَةُ»^۵؛ «زمانی که قائم قیام می کند، دوستی واقعی و صمیمیت حقیقی پیاده می شود».

۷- فراگیری و همگانی شدن تعلیم و تربیت

یکی از انگاره های اهمیت دار در تربیت و بالندگی اخلاقی و روحی انسان ها، فراگیری و شمول آن به همه افراد اجتماع است؛ یعنی، همگان باید در سطوح و مراحل مختلف زندگی، از برنامه های تربیتی و اخلاقی برخوردار شده و به تزکیه و تهذیب نفس و حکمت آموزی و خردورزی بپردازند. اگر بخش هایی از اجتماع ولو اندک از طهارت نفس و اخلاق فاضله بی بهره باشند، آن را به تباهی کشانده و مانع تأثیر برنامه های تربیتی می شوند. مهم تر از آن، افراد هنجار شکن و تباه گر، خود از موانع اصلی تعلیم و تربیت بوده و همواره درصدد انحراف و اغوای دیگران و افساد جوامع بر می آیند. به همین جهت تعلیم و تربیت واقعی، آن است که شامل همه افراد بشر بوده و برای

^۱ نعمانی، الغیبه، ص ۲۰۶.

^۲ مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۲۲۷.

^۳ صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۶۴۶.

^۴ صدوق، الخصال، ج ۲، ص ۴۲۶.

^۵ مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۷۲.

همگان، راه کارهای مناسب اصلاح و بازسازی اخلاقی ارائه دهد. در عصر ظهور، تعلیم و تربیت، جهانی، فراگیر و کارآمد بوده و شامل

همه گروه‌های سنی، فکری، اعتقادی، سیاسی، جغرافیایی و... می‌شود. کسی نیست که از این هدایت‌گری و تربیت‌ها بی‌بهره باشد و همچنان بر تباهی و ناراستی خود باقی بماند. در روایات آمده است:

«لَا يَبْقَى كَافِرٌ إِلَّا آمَنَ وَ لَا طَالِحٌ إِلَّا صَلَحَ»^۱؛ «روی زمین کافری باقی نمی‌ماند جز اینکه ایمان می‌آورد و شخص ناشایستی نمی‌ماند، جز اینکه به صلاح و تقوا می‌گراید».

«يُقِيمُ النَّاسَ عَلَى مِلَّتِي وَ شَرِيعَتِي وَ يَدْعُوهُمْ إِلَى كِتَابِ رَبِّي»^۲؛ «مردم جهان را به ملت و آیین من در می‌آورد و آنان را به کتاب پروردگار من دعوت می‌کند».

طبق روایت امام باقر علیه السلام نیز آن حضرت دست خود را بر سر تمامی بندگان خدا می‌گذارد و عقول آنها را متمرکز و اخلاقشان را کامل می‌کند (إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ يَدَهُ عَلَى رُؤُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهِ عُقُولَهُمْ وَ أَكْمَلَ بِهِ أَخْلَاقَهُمْ)^۳

^۱ طبرسی، الاحتجاج، ج ۲، ص ۲۹۰.

^۲ صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۶۱۱.

^۳ راوندی، الخرائج و الجرائج، ج ۲، ص ۸۴۱.

نتیجه گیری

از آنجا که نقش نیروی انسانی در نظام تربیت بسیار مهم است، سرآغاز فعالیت های تربیتی نیز باید با توجه به پرورش نیروی انسانی تعالی خواه برنامه ریزی شود. مدعای پژوهش حاضر این است که دستیابی به این هدف، از مسیر اصلاح اندیشه و ساختار فکری و ذهنی مربیان و متربیان می گذرد. از آنجا که شناخت مبانی معرفتی همواره مورد تأکید فلسفه های تربیتی است، در تربیت متعالی تلاش می شود با بالابرن سطح آگاهی متربی در حوزه های مبنایی، زمینه های مناسب برای پرورش ظرفیت ها و برطرف کردن نواقص فراهم شود. لذا توجه به هدفمندی و بیهوده نبودن، نظم و حساب داشتن، بهره مندی از آغاز و انجام و حرکت هستی سرشار از شور، حمد و تسبیح الهی در مسیری هدایت شده، معین و مشخص، بخشی از شناخت های لازم در حوزه هستی شناسی است. از آنجا که معرفت الهی نقش سازنده ای در زندگی انسان دارد، ضروری است شناخت خداوند به دور از توهمات و خیالات و براساس معارف حقه صورت پذیرد. در این بخش توحید و مراحل رکنی و غیررکنی آن یعنی توحید در وجوب وجود، توحید در خالقیت، توحید در تدبیر و ربوبیت تکوینی و تشریع، توحید در الوهیت و معبودیت، به عنوان یک اصل دینی مورد توجه قرار گیرد. افزون بر این به ویژگی های الهی زیر که در جریان تربیت تأثیر بیشتری دارند توجه داده شود. از نگاه قرآن کریم، انسان با ترکیبی از جسم و روح الهی و با تدبیری حکیمانه و در والاترین و برترین ویژگی ها، آفریده شده است. در تربیت متعالی به انسان از چند جهت باید توجه شود، استعدادها و ظرفیت های انسان گوشزد گردد، تا در پرورش آنها بکوشد. از سوی دیگر، به کمبودها و خطرات هوای نفس هشدار داده شود تا آنها را مدیریت و از آسیب های آنها پرهیز کند و در مرحله دیگر مراتبی را که انسان می تواند طی کند را ترسیم کند، تا انسان با توجه به ظرفیت ها و موانع راه، در راستای رسیدن به مراتب الهی نفس مطمئنه، تلاش کند. در بخش راه شناسی، با توجه به دو منبع وحی و سنت، به این نکته پرداخته شد که ایمان و عمل صالح نقطه کانونی تربیت قرآنی و متعالی هستند. این دو با هم انسان را به تقوا و کرامت می رسانند. در آموزه های قرآن بر تزکیه به عنوان راه رسیدن به فلاح و رستگاری تأکید شده است. از این رو در تربیت متعالی باید به جای محوریت آموزش در نظام تربیتی، به محوریت تزکیه توجه شود. در پایان به آسیب راه تربیت متعالی پرداخته و اشاره شد که نقطه مقابل ایمان و عمل صالح، کفر و گناه است که در تربیت متعالی به عنوان محور آسیب ها باید از آن اجتناب کرد. افزون بر این دو عامل که نقش اساسی دارند، متربی حوزه تربیت متعالی باید از غفلت، جهال و نادانی، سطحینگری، حرص ورزی، خود بزرگ بینی و حسادت، و از خود راضی بودن پرهیز کند.

منابع

*قرآن کریم

*نهج البلاغه

- ۱- ابن منظور، محمد، لسان العرب، نشر: دارصادر، بیروت، ۱۳۶۰.
- ۲- ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، ج ۲، نشر: دارالکفر، بی تا.
- ۳- اربلی، غلی بن عیسی، کشف الغمه، ج ۴، نشر: مرکز الطباعة و النشر للمجمع العالمی لاهل البيت، ۱۴۳۳ ه.ق.
- ۴- باقری، خسرو، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، نشر: موسسه فرهنگی مدرسه برهان، ۱۳۸۵.
- ۵- بهشتی، سعید، آیین خردپروری، نشر: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۵.
- ۶- جلالی، مرضیه، خانواده تراز در اندیشه اسلامی، نشر: امتداد حکمت، چاپ: اول، ۱۴۰۱.
- ۷- حرعاملی، محمدبن حسن، وسائل الشیعه. مؤسسه آل البيت، قم، ۱۴۱۴ ق.
- ۸- دلشاد تهرانی، مصطفی، سیری در تربیت اسلامی، نشر: دریا، چاپ: پانزدهم، ۱۳۸۰.
- ۹- راغب اصفهانی، حسین، مفردات الفاظ القرآن، نشر: دارالقلم، بی تا.
- ۱۰- راوندی، قطب الدین، الخرائج و الجرائج، ج ۲، نشر: موسسه امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، قم، ۱۴۰۹ ق.
- ۱۱- رحیمیان، محمد حسن، آیین تزکیه، نشر: انتشارات بوستان کتاب، ۱۳۱۱.
- ۱۲- سالاری فرد، محمدرضا، نظام خانواده در اسلام، نشر: هاجر، ۱۳۹۵.
- ۱۳- سهرودی، یحیی، مجموعه مصنفات، ج ۲، نشر: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۰.
- ۱۴- شریعت مداری، علی، تعلیم و تربیت اسلامی، نشر: امیر کبیر، ۱۳۷۳.
- ۱۵- صدوق، محمد، کمال الدین، ج ۲، نشر: دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۵۴ ش.
- ۱۶- _____، الخصال، ج ۲، نشر: علمیه اسلامی، تهران، ۱۳۶۳.
- ۱۷- طباطبائی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه: محمدباقر موسوی همدانی، انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۰.
- ۱۸- طبرسی، احمد، الاحتجاج، ج ۲، نشر: اسوه، ۱۳۸۳.
- ۱۹- طوسی، محمد، کتاب الغیبه، نشر: دارالمعارف الاسلامیه، ۱۴۱۱ ق.
- ۲۰- عمید، محمد، فرهنگ عمید، نشر: امیر کبیر، چاپ: ششم، ۱۳۷۵.
- ۲۱- فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، قاموس للمحیط، ج ۲، نشر: دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۵ ق.
- ۲۲- فراهیدی، خلیل، العین، ج ۸، نشر: موسسه العمی للمطبوعات، بی تا.

- ۲۳- قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، نشر: دارالکتاب، ق، ۱۴۰۴ ق.
- ۲۴- مصطفوی، حسین، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۴، نشر: مرکز نشر آثار علامه مصطفوی، چاپ: اول، بی تا.
- ۲۵- مصباح یزدی، محمد تقی، خدشناسی، نشر: موسسه پژوهشی و آموزشی امام خمینی، ۱۳۸۹.
- ۲۶- مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، ج ۵۳، نشر: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۶.
- ۲۷- مفید، محمد، الارشاد، ج ۲، نشر: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۸.
- ۲۸- متقی هندی، حسام الدین، کنز العمال، ج ۱۴، نشر: دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۹ هـ.
- ۲۹- نعمائی، ابو عبدالله، الغیبه، نشر: گوناگون، تهران، ۱۳۹۷ ق.